



جمهوری اسلامی ایران

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

مرکز آمار و اطلاعات راهبردی



بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری زنان

طی دوره اخیر در ایران و جهان



۹۵-۱۰

آذرماه ۱۳۹۵





شناسنامه نشریه

عنوان	بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری زنان طی دهه اخیر در ایران و جهان
شماره	۹۵-۱۰
ناشر	مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
تهیه کنندگان	سید نعمت اله میرفلاح نصیری - بنفشه رئیسی
ناظر چاپ	مجتبی امرایی
تاریخ انتشار	آذر ماه ۱۳۹۵
کلید واژه	اشتغال - بیکاری - شکاف جنسیتی
نشانی	تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبروی هتل لاله، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طبقه چهارم
تلفن و دورنگار	۸۸۹۵۵۰۳۳ و ۸۸۹۵۵۰۳۴
پست الکترونیک و وبگاه	www.amarkar.ir amarkar@mcls.gov.ir

پیشگفتار

حکمرانی خوب در سطح کلان، نیازمند ترکیبی پیچیده از شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی است که تحقق آن‌ها مستلزم ابزارها و روش‌های خاص خود است. تحقق این شرایط به داده‌ها و تحلیل‌هایی نیاز دارد که بدون آن‌ها شناخت وضع موجود و مسیرهای ممکن به سوی وضع مطلوب ممکن نخواهد شد. آمار یکی از این ابزارهای بنیادی برای کسب چنین داده‌هایی و تحلیل برخی الزامات دست یافتن به وضع مطلوب است.

برخورداری از داده‌های آماری معتبر و به‌روز، در همه امور اعم از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، تعیین اهداف و خط‌مشی‌ها، هدایت امور اجرایی و در نهایت ارزیابی میزان موفقیت آن‌ها به اندازه‌ای اهمیت دارد که باید داده‌ها و تحلیل‌های آماری را عاملی زیربنایی در فرایند توسعه و آینده‌پژوهی هر جامعه به شمار آورد به گونه‌ای که حکمرانی خوب بدون آن ممکن نیست. لیکن استفاده مناسب از آمار برای تحقق توسعه اولاً نیازمند شناسایی آن دسته داده‌هایی است که بانک‌های اطلاعاتی با ارائه آن‌ها می‌توانند به مدیریت مؤثر و کارآمد کمک کنند؛ و ثانیاً بخش‌های متولی برنامه‌ریزی و مدیریت فرایندها باید به ابزارها و توانمندی‌های لازم برای بهره‌گرفتن از آمار مجهز باشند.

داده‌های آماری دقیق و به‌هنگام در زمینه‌های تحولات بازار کار، وضعیت تعاونی‌ها و شاخص‌های رفاه اجتماعی از ملزومات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مؤثر و ارتقای کیفی فعالیت‌های این وزارتخانه در جهت توسعه پایدار است. بدون در دسترس بودن چنین داده‌هایی نقش‌آفرینی مؤثر و کارآمد این وزارتخانه در عرصه سیاست‌گذاری اشتغال، ارتقای سهم بخش تعاون در اقتصاد و ایجاد و کارآمدسازی نظام رفاهی جامع و چندلایه ناممکن خواهد بود. چنین داده‌هایی هم‌چنین برای کمک به فرایند ارتباط بین‌سازمانی و هماهنگ کردن اقدامات وزارتخانه با سایر دستگاه‌ها ضرورت دارند. تولید این داده‌ها بخشی از وظیفه حاکمیتی برای تولید داده‌های شفاف و معتبر و ارائه آن‌ها به جامعه و همه ذینفعان نیز هست.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با عنایت به سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در خصوص تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی به دولت و اشاره به بند ۱۱ آن که بر «شفاف‌سازی و به‌هنگام‌سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری در رشته‌های مختلف و مقابله جدی با استفاده از هر گونه دسترسی اطلاعاتی ویژه» تأکید می‌کند؛ و به استناد بند «ی» ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مبنی بر حاکمیتی بودن امور آمار و همچنین لزوم رعایت اصول ده‌گانه بنیادین آمارهای رسمی، به‌طور مستمر از طریق شناسایی، تولید یا گردآوری، آمایش و به‌هنگام‌سازی اطلاعات و آمارهای ثبتی و تعامل و مشارکت با سایر دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های ملی و بین‌المللی، در راستای مأموریت‌های خود و به منظور استقرار مدیریت دانش، نسبت به تهیه و تدوین نشریات و گزارش‌های آماری مرتبط با حوزه‌های کار، تعاون و رفاه اجتماعی اقدام می‌نماید. کاربران، ذینفعان و محققین با مراجعه به سامانه اطلاع‌رسانی آماری به نشانی www.amarkar.ir می‌توانند به تمام نسخه‌های الکترونیکی نشریات و گزارش‌های تخصصی تدوین شده دست یابند. بدیهی است نظرات ارزشمند و پیشنهادهای تکمیلی صاحب‌نظران، باری‌رسان این وزارتخانه در پیشبرد برنامه‌ها و اثربخشی بیشتر آن‌ها خواهد بود.

علی ربیعی

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

فهرست مندرجات

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۲	وضعیت اشتغال و بیکاری جهانی زنان - سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۱۵
۱۱	وضعیت اشتغال و بیکاری زنان در ایران - سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴

مقدمه

در مقیاس جهانی، زنان در دوران اشتغال خود با موانع ویژه‌ای روبه‌رو می‌باشند. علیرغم ارتقا سطح سواد و تحصیلات زنان و بهبود موقعیت شغلی‌شان در بازار کار جهانی، همچنان نابرابری بین زنان و مردان در زمینه فرصت‌های شغلی، درآمدها و ... وجود دارد. زنان در بسیاری از مناطق جهان فرصت کمتری جهت مشارکت در بازار کار دارند و یا مجبورند مشاغل با کیفیت پایین‌تر را قبول کنند و یا از حقوق و مزایای پایین‌تری نسبت به مردان برخوردار هستند.

یکی از آرمان‌های دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار که توسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ مورد موافقت قرار گرفته است، به اهمیت و ضرورت برابری جنسیتی در اشتغال اشاره می‌کند و بر ایجاد مشاغل یکسان و با کیفیت برای زنان تاکید می‌نماید.

بخش اول این گزارش، تلخیصی از گزارش سازمان بین‌المللی کار^۱ می‌باشد که روند جهانی اشتغال و بیکاری زنان در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۱۵ را مقایسه می‌نماید. بخش دوم گزارش به بررسی وضعیت برخی شاخص‌های بازار کار زنان در ایران در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴ بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار می‌پردازد.

طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار نرخ جهانی مشارکت اقتصادی زنان از ۵۲.۴ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۴۹.۶ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته است و شکاف جنسیتی اشتغال با ۰.۶ درصد کاهش به ۲۵.۵ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. نتایج بررسی انجام شده حاکی از آن است که زنان در سطح جهان بیشتر در معرض بیکاری می‌باشند و نرخ بیکاری زنان ۶.۲ درصد در برابر نرخ بیکاری ۵.۵ درصدی مردان گزارش شده است.

طبق نتایج آمارگیری نیروی کار، نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری زنان به ترتیب از ۱۷ درصد و ۱۷.۱ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۳.۳ درصد و ۱۹.۴ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است که نشان از افزایش شکاف جنسیتی و کاهش شانس زنان برای حضور در بازار کار ایران طی سال‌های اخیر می‌باشد. از طرفی نتایج بیانگر این نکته است که علیرغم کاهش میزان مشارکت اقتصادی زنان، مشاغل زنان به ویژه زنان دارای تحصیلات عالی کیفی‌تر و تخصصی‌تر شده است. امید است این گزارش مورد استفاده برنامه ریزان و سیاستگذاران این عرصه قرار گیرد.

سید نعمت اله میرفلاح نصیری
رئیس مرکز آمار و اطلاعات راهبردی

الف - وضعیت اشتغال و بیکاری جهانی زنان - سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۱۵

دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار، فرصتی برای رسیدگی به نابرابری جنسیتی در اشتغال

زنان در دوره کاری و اشتغال، باموانع ویژه‌ای جهت دستیابی به کارشایسته مواجه هستند. یکی از نتایج حاشیه‌ای حاصله از چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ پکن، حذف شکاف عمیق جنسیتی بود که بعنوان دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار توسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ مورد موافقت قرار گرفت.

نابرابری بین زنان و مردان در بازار کار جهانی در زمینه فرصتهای شغلی، درآمدها و رفتارها وجود دارد. در دو دهه اخیر، پیشرفت چشمگیر زنان در موفقیت‌های آموزشی، موجب بهبود قابل توجهی در موقعیت شغلی شان شده است.

در بسیاری از مناطق جهان، در مقایسه با مردان، زنان احتمال بیشتری دارد که بیکار شوند یا بیکار بمانند. آنان فرصتهای کمتری جهت مشارکت در بازار کار دارند و چنانچه مشارکت نمایند مجبورند مشاغل باکیفیت پایین تر را قبول کنند. بهبودی در فائز آمدن با این امر بسیار آهسته است و محدود به چندین منطقه در جهان می باشد. حتی در بسیاری از این کشورها که شکاف اشتغال و مشارکت نیروی کار بین زنان و مردان کاهش یافته و زنان از امور کمک و رسیدگی به خانواده به سمت بخش‌های خدماتی روی آورده اند، کیفیت شغل زنان همچنان محل نگرانی است. توزیع نابرابر کارهای خانگی و مراقبتی بدون مزد و حقوق بین زنان و مردان و بین جامعه و خانواده یکی از مهم ترین عوامل نابرابری جنسیتی در بازار کار می باشد.

دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار بر اجماع جهانی، توجه به اهمیت و ضرورت برابری جنسیتی و سهم آن در رسیدن به ۱۷ آرمان توسعه پایدار را تاکید نموده است. مشاغل یکسان و با کیفیت برای زنان، حمایت‌های اجتماعی جهانی و اقدام‌هایی جهت شناسایی، کاهش و باز توزیع کارهای خانگی و مراقبتی بدون مزد و حقوق که همگی برای رسیدن و دست یافتن به اهداف توسعه پایدار ضروری است و برای رسیدن به اهداف زیر کمک میکند :

کاهش فقر (آرمان ۱) نابرابری (آرمان ۱۰) رسیدن به برابری جنسیتی (آرمان ۵) و ترویج رشد اقتصادی پایدار، اشتغال مولد و کامل و کار شایسته برای همه (آرمان ۸)

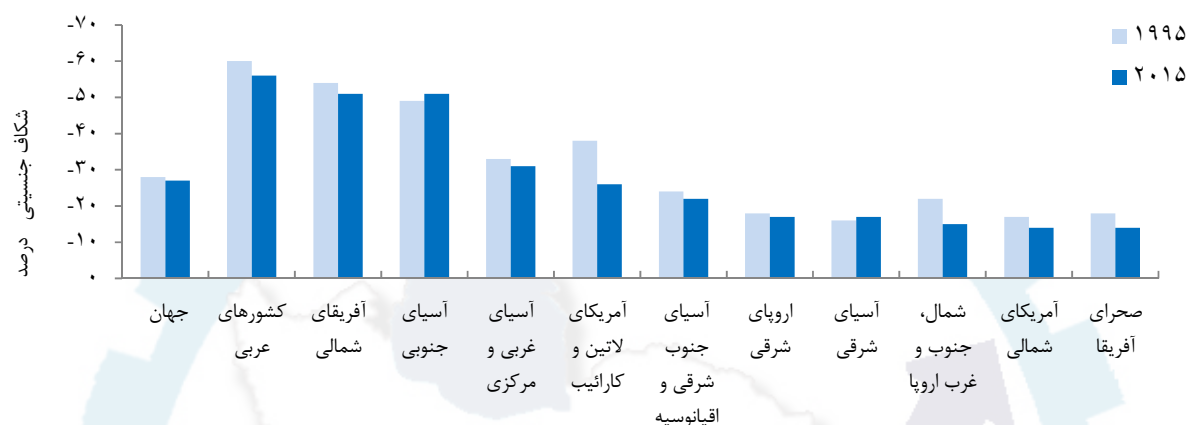
شکاف جنسیتی نرخ مشارکت نیروی کار و نرخ اشتغال، کاهش اندکی داشته است

بین سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۱۵، نرخ جهانی مشارکت اقتصادی زنان از ۵۲.۴ درصد به ۴۹.۶ درصد کاهش یافته است که رقم مشابه برای مردان کاهش از ۷۹.۹ درصد به ۷۶.۱ درصد بوده است. در جهان فرصت برای مشارکت زنان در بازار کار تقریباً ۲۷ درصد کمتر از مردان می باشد (نمودار ۱) در مناطقی که شکاف جنسیتی در مشارکت نیروی کار زیاد است نیز همین گونه می باشد. در جنوب و شرق آسیا این شکاف وسعت پیدا کرده است. نرخ مشارکت پایین زنان، به فرصتهای شغلی کمتر با اندک تغییر در طول زمان منجر شده است بگونه ای که تاثیر منفی بر سطح درآمد و امنیت اقتصادی زنان گذاشته است.

در سال ۲۰۱۵ شکاف جنسیتی اشتغال ۲۵.۵ درصد و تنها ۰.۶ درصد کمتر از سال ۱۹۹۵ می باشد که موجب بی میلی زنان شده است. تنها در شمال، جنوب و غرب اروپا، در مناطقی که تعداد زیادی از زنان وارد بازار کار شده بودند، شکاف اشتغال به هم نزدیک شده است. اما همچنان کاهش نرخ اشتغال مردان به عنوان نتیجه ای از رکود اقتصادی بوده است.

بعلاوه بحران مالی جهانی موجب کاهش موقت شکاف جنسیتی اشتغال در آمریکای شمالی شد. هر چند که تغییرات عملاً موجود نیست.

نمودار ۱: شکاف جنسیتی نرخ مشارکت نیروی کار بر حسب مناطق - سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۱۵



توجه: شکاف جنسیتی بر مبنای اختلاف نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار زنان و مردان محاسبه شده است. بر اساس داده‌های ۱۷۸ کشور می‌باشد که این کشورها در نمودار ۴ و ۵ نیز لحاظ شده‌اند.

ماخذ: محاسبات سازمان جهانی کار، مدل‌های اقتصاد سنجی روندها، نوامبر ۲۰۱۵

زنان جوان در معرض ریسک بیشتر بیکاری هستند

با توجه به نرخ بیکاری جهانی ۵.۵ درصد مردان و ۶.۲ درصد برای زنان، احتمالاً زنان بیشتر از مردان در معرض بیکاری می‌باشند، به جز در مناطقی نظیر شرق آسیا، اروپای شرقی و آمریکای شمالی، در سایر نقاط جهان، نرخ بیکاری مردان کمتر از نرخ بیکاری زنان می‌باشد.

شکاف جنسیتی بیکاری در آفریقای شمالی و کشورهای عربی زیاد می‌باشد ولی در شمال، جنوب و غرب اروپا و آمریکای شمالی به دلیل بحرانهای اقتصادی این شکاف کم شده است، بطوریکه رکود اقتصادی بر بخش‌های مرد سالار بطور گسترده تاثیر گذاشته و نرخ اشتغال را برای زنان متاهل افزایش داده است و در برخی زمینه‌ها اشتغال وارد شده جبران کننده بوده و کمبود و کاستی درآمد خانواده را که به خاطر بیکاری مردان بوجود آمده را جبران نموده است.

در سطح جهان، بیکاری جوانان موضوع مورد توجه باقی مانده است. بیکاری، زنان جوان را بیشتر از مردان جوان متاثر می‌کند. در اکثر نقاط جهان در آفریقای شمالی و کشورهای عربی، نرخ بیکاری زنان جوان تقریباً دو برابر نرخ بیکاری مردان جوان است و به ترتیب بیش از ۴۴.۳ و ۴۲.۱ درصد می‌باشد.

در مقابل بیکاری جوانان برای مردان در آمریکای شمالی، شرق آسیا و شرق، غرب و جنوب اروپا بیشتر است. در نتیجه بحرانهای مالی و اقتصادی، شکاف جنسیتی بیکاری جوانان در غرب، جنوب و شمال اروپا و آمریکای شمالی افزایش یافته است. اگر چه که در این مناطق علایم دیگری هم باعث کاهش این شکاف در سالهای اخیر شده است.

کیفیت شغل زنان همچنان چالش باقی مانده است

وضع شغلی و اشتغال غیر رسمی

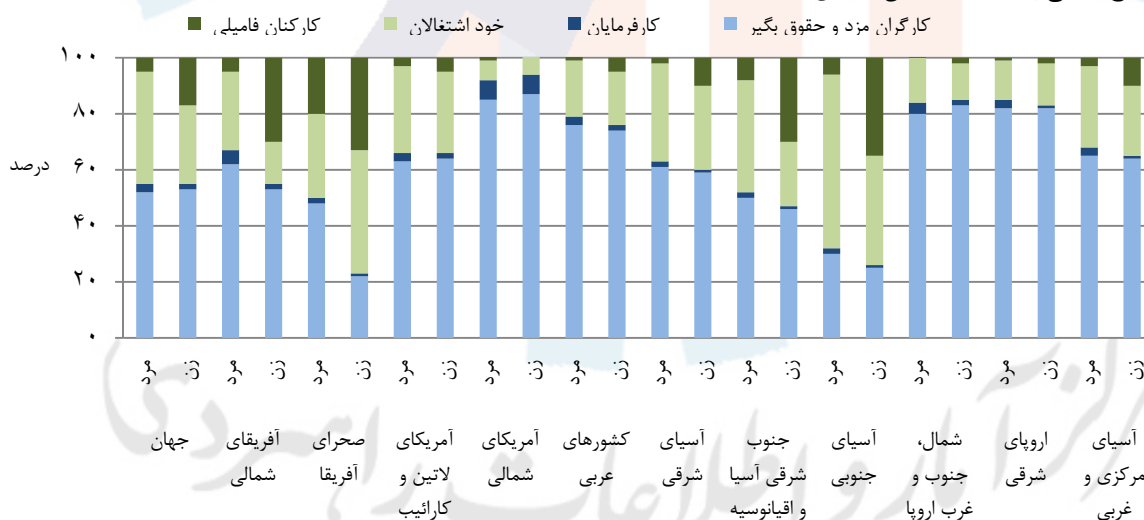
در سال ۲۰۱۵ در مجموع ۵۸۶ میلیون زن کارکن مستقل یا کارکن فامیلی وجود داشته است. زنان همچنان در بخش عمده کارکن فامیلی باقی مانده اند. برخی پیشرفتها (بهبودها) حاصل شده است اگر چه که انتظار کم شدن این شکاف جنسیتی وجود دارد و باید به آن توجه داشت. در سطح جهانی سهم کارکنان فامیلی به ویژه در بین زنان (۱۷ درصد نسبت به ۲۰ سال گذشته) کاهش یافته است و به میزان کمتری در میان مردان کاهش داشته است (۸.۱ درصد در همان مقطع زمانی) در نتیجه موجب کاهش شکاف جنسیتی از ۱۹.۵ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۱۰.۶ درصد در سال ۲۰۱۵ شده است. (نمودار ۲)

این روند بخشی از تغییر ساختار اقتصادی در بخش اشتغال کشاورزی است که شامل فعالیت هایی در مقیاس کوچک و برای امرار معاش می باشد. این امر نشان دهنده آن است که خیلی از زنان شاغل در صحرای آفریقا و آسیای جنوبی بعنوان کارکنان فامیلی (به ترتیب ۳۴.۹ درصد و ۳۱.۸ درصد) یا کارکن مستقل (به ترتیب ۴۲.۵ درصد و ۴۷.۷ درصد) فعالیت می نمایند و در مشاغل غیر رسمی کار می کنند.

بیش از ۵۲.۱ درصد از زنان و ۵۱.۲ درصد از مردان در بازار کار، کارگران مزد و حقوق بگیر هستند که این در جای خود برای مشاغل با کیفیت بالا تضمینی نیست. در حقیقت در سطح جهانی نزدیک به ۴۰ درصد از زنان با اشتغال مزد و حقوق بگیر مشمول حمایت های اجتماعی نمیشوند. در جاهایی که اشتغال غیر رسمی، اشتغال غالب محسوب میشود، این نسبت ها به ۶۳.۲ درصد در صحرای آفریقا و ۷۴.۲ درصد در آسیای جنوبی رسیده است.

برای مثال در آسیای جنوبی اشتغال غیر رسمی بیش از ۸۰ درصد اشتغال غیر کشاورزی را شامل میشود. در سه تا از این شش منطقه، اشتغال غیر رسمی یک منبع بزرگتر از اشتغال کشاورزی برای زنان به نسبت مردان است (صحرای آفریقا، آمریکای لاتین، کارائیب و جنوب آسیا) در مقابل شکاف جنسیتی و اشتغال غیر رسمی می تواند به ۱۳ درصد هم برسد (صحرای آفریقا بعنوان نمونه)

نمودار ۲: وضع شغلی به تفکیک جنس - سال ۲۰۱۵



توجه: کارکنان مزد و حقوق بگیر به شاغلانی اشاره میکند که به ازای انجام کار، مزد و حقوق دریافت می کنند. کارفرمایان، کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی بدون مزد، به عنوان خود اشتغال محسوب می شوند. کارکنان فامیلی کسانی هستند که در بنگاههای خانواده خود کار می کنند.

منبع: محاسبات سازمان بین المللی کار - مدل های اقتصاد سنجی روندها - نوامبر ۲۰۱۵

تفکیک شغلی و بخشی

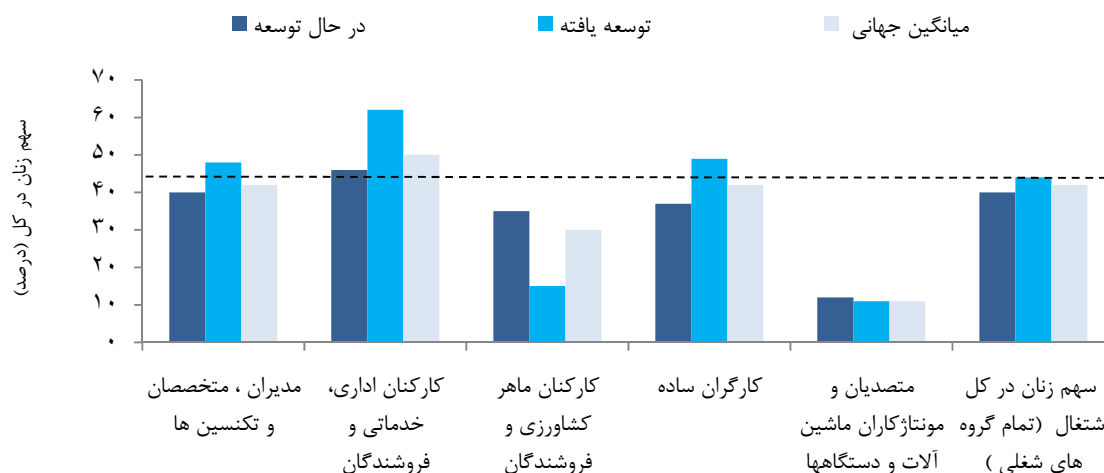
در سطح جهانی، بخش خدمات از بخش کشاورزی پیشی گرفته است و تعداد زنان و مردان بیشتری در آن بخش شاغل شده اند. در سال ۲۰۱۵ بیش از نیمی از جمعیت شاغل در جهان در بخش خدمات فعالیت می نمایند. (۵۰.۱٪)

۴۲.۶ درصد از مردان در بخش خدمات کار میکنند، در حالیکه بیش از نیمی از زنان جهان در این بخش شاغل هستند. از سال ۱۹۹۵ تعداد زنان شاغل در بخش خدمات از ۴۱.۱ درصد به ۶۱.۵ درصد رسیده اند. بر اساس تفکیک شغلی و بخشی، شکاف جنسیتی از هر دو مورد تعداد و کیفیت مشاغل، دیده می شود.

در کشورهایی با درآمد متوسط به بالا، بیش از یک سوم زنان در بخش عمده فروشی و خرده فروشی (۳۳.۹ درصد) و در بخش صنعت (۱۲.۴ درصد) می باشند. در کشورهایی با درآمد بالا منبع اصلی اشتغال زنان در بخش آموزش و بهداشت هستند که تقریباً یک سوم از زنان در بازار کار را شامل میشوند (۳۰.۶ درصد). کشاورزی همچنان بخش اصلی اشتغال زنان در کشورهای با درآمد پایین یا زیر متوسط باقی مانده است. در آسیای جنوبی و صحرای آفریقا بیش از ۶۰ درصد زنان شاغل در بخش کشاورزی باقی مانده اند و اغلب در فعالیت هایی دارای کار با شاغلان متراکم که یا بدون دستمزد یا دستمزد پایین دارند، اشتغال دارند.

بررسی اشتغال ۱۴۲ کشور نشان میدهد که زنان در مشاغل " شاغلان امور دفتری، خدمات و فروشندگان" و " مشاغل ساده" در مقایسه با سهم آنان در کل اشتغال، سهم بیشتری دارند. این امر به ویژه در اقتصاد توسعه یافته وجود دارد جایی که زنان بیش از ۶۰ درصد و نزدیک به ۵۰ درصد از کل اشتغال را در این دو گروه شغلی حرفه و مشاغل با دستمزد پایین تشکیل میدهند. نمودار ۳ نشان می دهد که در مقابل در کشورهای توسعه یافته زنان حضور نسبتاً پرننگی در گروه های عمده شغلی با درآمد بالا گروه " مدیران، متخصصین و تکنسین ها" به میزان ۴۸.۱ درصد می باشد.

نمودار ۳: طبقه بندی شغلی ۱۴۲ کشور (آخرین سال در دسترس)



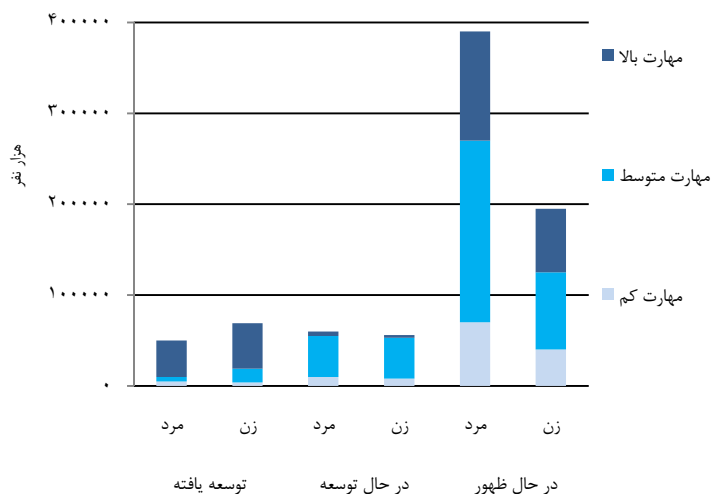
توجه: برآورد جهانی در ۱۴۲ کشور (۸۱ کشور در حال توسعه و ۶۱ کشور توسعه یافته) نشان دهنده ۸۷٪ از کل اشتغال است. از آمار آخرین سال استفاده شده است. بیش از ۸۰ درصد بر اساس آمار سال ۲۰۱۰ و ۶۰ درصد برای ۲۰۱۳ یا بعد از آن می باشد. بیش از ۹۰ درصد آمارها برای سال ۲۰۱۳ یا ۲۰۱۴ است که بر اساس کل اشتغال موزون شده اند.

تفکیک شغلی در این دو دهه اخیر با تغییرات مهارتی و فناوری به ویژه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه افزایش یافته است. بین سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۱۵ اشتغال در اقتصادهای در حال ظهور افزایش یافته است. تغییرات مطلق در سطوح اشتغال برای مردان دو برابر بیش از زنان بود. (۳۸۲ میلیون مرد و ۱۹۱ میلیون زن). بدون در نظر گرفتن سطح مهارت مورد نیاز (نمودار ۴ پنل A) بحث شکاف بالای جنسیتی اشتغال را منعکس میکند (۶۸.۴ درصد و ۷۷.۹ درصد از تغییرات در سطح اشتغال مردان و زنان و در اقتصادهای در حال ظهور ۵۳.۲ و ۴۶.۴ درصد بود)

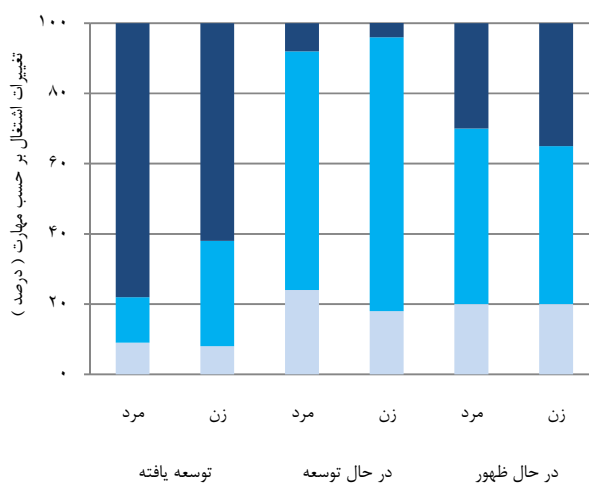
در مقابل (نمودار ۴ پنل B)، مشاغل با مهارت بالا بر تغییرات اشتغال در اقتصادهای در حال توسعه تاثیر داشته است. (۶۵.۴ درصد برای زنان و بیش از ۷۶.۶ درصد برای مردان) مشاغل با مهارت بالا با سرعت بیشتری برای زنان نسبت به مردان در اقتصادهای نوظهور گسترش یافت، تنها در گروهی از کشورهایی که شکاف جنسیتی اشتغال با مهارت بالا به نفع زنان بود. مشاغل با مهارت کم سریعتر گسترش یافت و یا تقریباً مشابه مردان در هر سه منطقه بوده است.

نمودار ۴: تغییرات اشتغال به تفکیک سطح مهارت های مورد نیاز شغل - طی سال های ۱۹۹۵-۲۰۱۵

پنل A: تغییرات مطلق (هزار نفر)



پنل B: تغییرات مرتبط بر اساس سطح مهارت (درصد)



توجه: پنل A و B تغییرات اشتغال را بین سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۱۵ توصیف میکند (تغییرات در اشتغال و تغییرات مرتبط با سطح مهارت) مشاغل بر اساس سطح مهارت ها گروه بندی شده اند. بر اساس طبقه بندی استاندارد بین المللی تحصیلات ISCED که با طبقه بندی گروه های عمده شغلی ISCO مطابقت دارد.
منبع: محاسبات سازمان بین المللی کار - مدل های اقتصاد سنجی روندها - نوامبر ۲۰۱۵

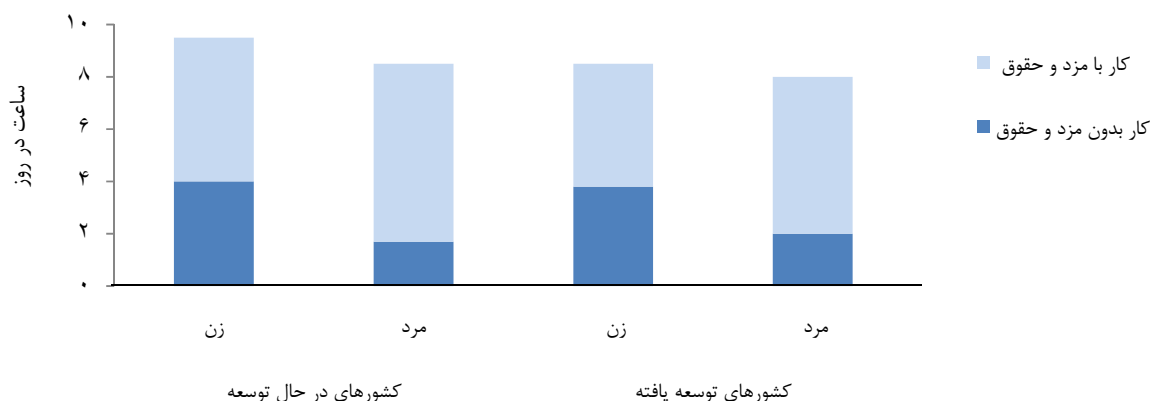
شکاف جنسیتی در توزیع کارهای خانگی و مراقبتی بدون مزد به این معناست که زنان تمایل بیشتری دارند که ساعت

کار کمتری برای دریافت حقوق و مزایا کار کنند.

کارهای خانگی و مراقبتی بدون مزد

در هر دو نوع کشورها با درآمد بالا و پایین، ساعات کار زنان در اشتغال با مزد و حقوق کمتر است، در حالیکه اکثریت قریب به اتفاق آنان به انجام کارهای خانگی یا مراقبتی بدون حقوق و دستمزد می پردازند. در کشورهایی که آمار مرتبط موجود می باشد، به طور متوسط زنان حداقل دو و نیم برابر بیشتر از مردان در کارهای خانگی و مراقبتی بدون مزد مشغول به فعالیت می باشند. اگر چه که این شکاف جنسیتی پایدار باقی مانده است ولی در طول زمان کاهش یافته است به ویژه به این دلیل که زنان شاغل، زمان انجام کارهای خانه را کاهش داده اند ولی زمان صرف شده جهت مراقبت از فرزندان کاهش قابل ملاحظه ای نداشته است. در هر دو حالت سنجش کار با مزد و کار بدون مزد، زنان تعداد ساعت بیشتری را نسبت به مردان فعالیت داشته اند. به ویژه زنان شاغل (چه خود اشتغال و چه مزد و حقوق بگیر). بطور متوسط زنان نسبت به مردان شاغل، روزهای کاری بیشتری دارند، که این شکاف جنسیتی ۷۳ و ۳۳ دقیقه در روز به ترتیب در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. (نمودار ۵) حتی زمانی که یک زن شاغل می شود، سهم زیادی از کارهای خانه و کارهای مراقبتی خانه بدون مزد را بر عهده دارد که ظرفیت آنان برای افزایش ساعت کاری در مشاغل با مزد و حقوق و مشاغل رسمی را کاهش میدهد.

نمودار ۵: ساعت کاری در مشاغل با مزد و بدون مزد برای شاغلین به تفکیک جنس - ۲۳ کشور در حال توسعه و ۲۳ کشور توسعه یافته (بر اساس آخرین آمارهای در دسترس)



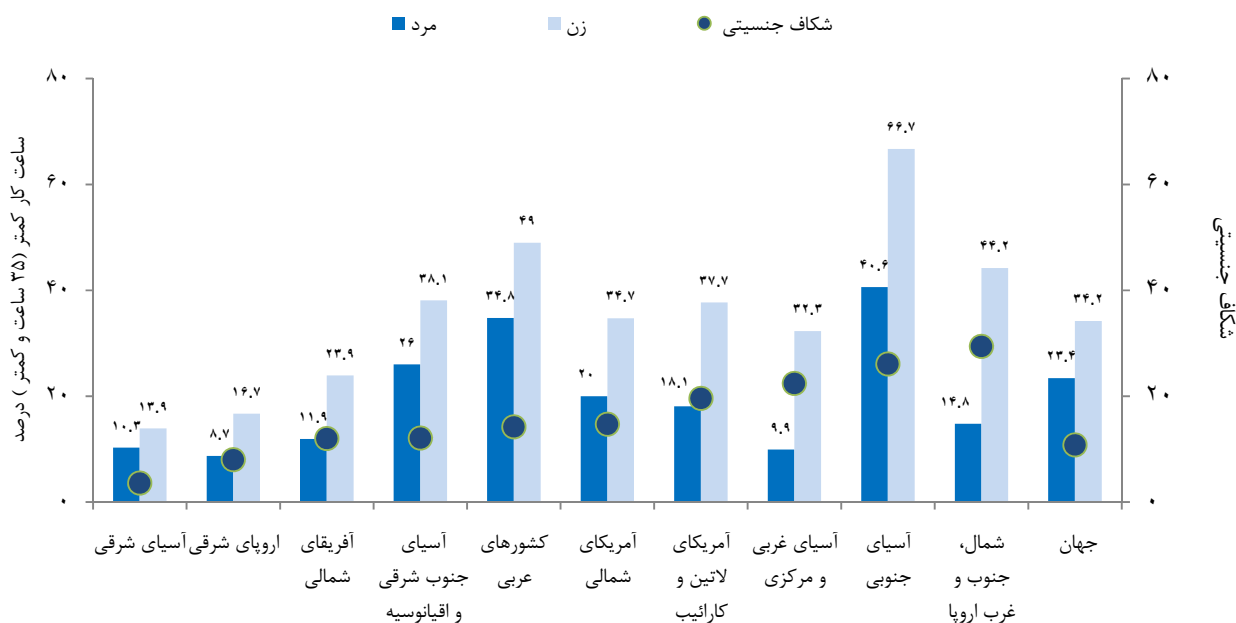
منبع: سازمان ملل ۲۰۱۵

ساعت کار کمتر

بر اساس نتایج، زنان بیشتر از مردان گرایش به انجام کار با زمان کمتر دارند چه داوطلبانه و یا برخلاف انتخاب خود. (که نشان دهنده اشتغال ناقص زمانی است) در سطح جهانی، زنان کمتر از ۴۰ درصد کل اشتغال را دارند اما ۵۷ درصد از آنها کار نیمه وقت دارند. برآورد ۱۰۰ کشور نشان میدهد که بیش از یک سوم زنان شاغل (۳۴.۲٪) در مقایسه با ۲۳.۴ درصد مردان شاغل، کمتر از ۳۵ ساعت در هفته کار میکنند. در کل شکاف جنسیتی برای اشتغال نیمه وقت بین زنان و مردان در اشتغال ۱۱ درصد می باشد. شکاف جنسیتی در برخی کشورهای اروپایی، غرب و مرکز آسیا، جنوب آسیا و آمریکای لاتین و ... بیشتر است. بعلاوه بیکاری هم

برای مردان و هم زنان بالاست. در کشورهای آفریقایی و آسیایی شیوع بیکاری هم برای زنان و هم مردان بالا می باشد. در این دو منطقه شکاف جنسیتی به ترتیب ۷.۵ و ۶.۴ درصد می باشد. در برخی کشورها در صحرای آفریقا اشتغال ناقص زمانی برای زنان بیش از ۴۰ یا ۵۰ درصد از کل اشتغال است.

نمودار ۶: شاغلان با کمتر از ۳۵ ساعت کار در هفته و شکاف جنسیتی در ۱۰۰ کشور (بر اساس آخرین آمار در دسترس)



توجه: برآورد جهانی بر پایه ۱۰۰ کشور می باشد که بیش از ۸۷ درصد از اشتغال کل را نشان می دهد. کشورهای عربی در نمودار نشان داده نشده است به دلیل اینکه کمتر از ۲۵ درصد بوده است. (آمارها بر اساس آخرین آمارهای در دسترس برای ۲۰۱۰ و بعد از آن می باشد) مناطق بر اساس افزایش شکاف جنسیتی اشتغال ناقص زمانی نسبت به کل اشتغال مرتب شده اند. منبع: محاسبات سازمان جهانی کار بر اساس داده های طرح سرشماری ملی خانوار.

ساعت اضافه کار

در بین ۱۰۰ کشور بررسی شده، بیش از یک سوم از مردان شاغل ۳۵.۵ درصد و بیش از یک چهارم زنان شاغل ۲۵.۷ درصد بیش از ۴۸ ساعت در هفته کار می کنند. اضافه کاری بیشتر در آسیا به ویژه شرق، مرکز و غرب آسیا رواج دارد بطوریکه نزدیک به نیمی از مردان و زنان شاغل بیش از ۴۸ ساعت در هفته کار می کنند. دو یافته بسیار مهم وجود دارد: یکی اینکه زنان تمایل به ساعت کار بیشتری نسبت به مردان دارند چه در مشاغل مزد و حقوق بگیر (جایی که شکاف جنسیتی بیش از ۷۰ درصد هست) و یا در مشاغل خود اشتغال (با شکاف جنسیتی ۵.۵ درصد) دوم: نسبت افرادی که بیشتر و یا کمتر از ساعت کاری کار میکنند جزو خود اشتغالان هستند. به این معنا که افراد خود اشتغال تمایل دارند که یا بیش از ۴۸ ساعت کار کنند یا کمتر از ۳۵ ساعت در هفته کار می کنند. این امر نشان می دهد که ساعت کار بیشتر برای خود اشتغالان به نسبت افراد مزد و حقوق بگیر قطبی تر شده است.

این امر هماهنگی سلامتی کارکنان در زندگی کاری و شخصی و توزیع عادلانه کارهای خانگی و مراقبتی بدون مزد برای زنان و مردان را به دنبال خواهد داشت.

با روند جاری ۷۰ سال طول خواهد کشید تا شکاف جنسیتی حذف شود

در سطح جهانی شکاف جنسیتی دستمزد ۲۳ درصد برآورده می‌شود. به عبارت دیگر زنان ۷۷ درصد از آنچه مردان دریافت میکنند، درآمد دارند. حتی وقتی به نرخ مزد ساعتی توجه شود (با بیان این حقیقت که زنان ساعت کار کمتری نسبت به مردان کار می‌کنند) برای بیش از ۱۰ درصد یا بیشتر کشورهایی که داده برایشان موجود است، زنان با شکاف جنسیتی دستمزد مداوم (پایدار) مواجه هستند. این شکاف قابل توصیف تنها به دلیل تفاوت در تحصیلات و سن نیست ولی با دلایلی چون ارزیابی ناکافی مشاغلی که زنان بر عهده می‌گیرند، مهارتهایی که در بخش‌ها و مشاغل زنانه نیاز هست، تبعیض و اجبار زنان به قطع رابطه کاری به دلیل انجام سایر وظایف مراقبتی (برای مثال تولد فرزند) مرتبط می‌باشند.

اخیرا برخی پیشرفت‌ها درخصوص کاهش این شکاف جنسیتی مزد صورت پذیرفته است ولی بهبود آن جزئی می‌باشد. اگر روندهای جاری غالب باشد بیش از ۷۰ سال طول میکشد که این شکاف کامل از بین برود. کاهش شکاف جنسیتی مزد بیشتر برای نشان دادن خط مشی‌ها جهت وضعیت عدم تعادل جنسیتی در بازار کار، بیش از توسعه و بهبودهای عمومی در استانداردهای زندگی قابل استفاده است.

در حقیقت شکاف جنسیتی مزد، ارتباط با سطح توسعه اقتصادی کشورها ندارد. در برخی کشورها با سطح بالای اقتصاد این شکاف بالا می‌باشد. توسعه اقتصادی به تنهایی توزیع عادلانه منافع حاصل از رشد بین مرد و زن را تضمین نمی‌کند.

نابرابری جنسیتی در کار موجب شکاف جنسیتی در دسترسی به حمایت‌های اجتماعی به ویژه مزایای مادری و

سالمندی شده است

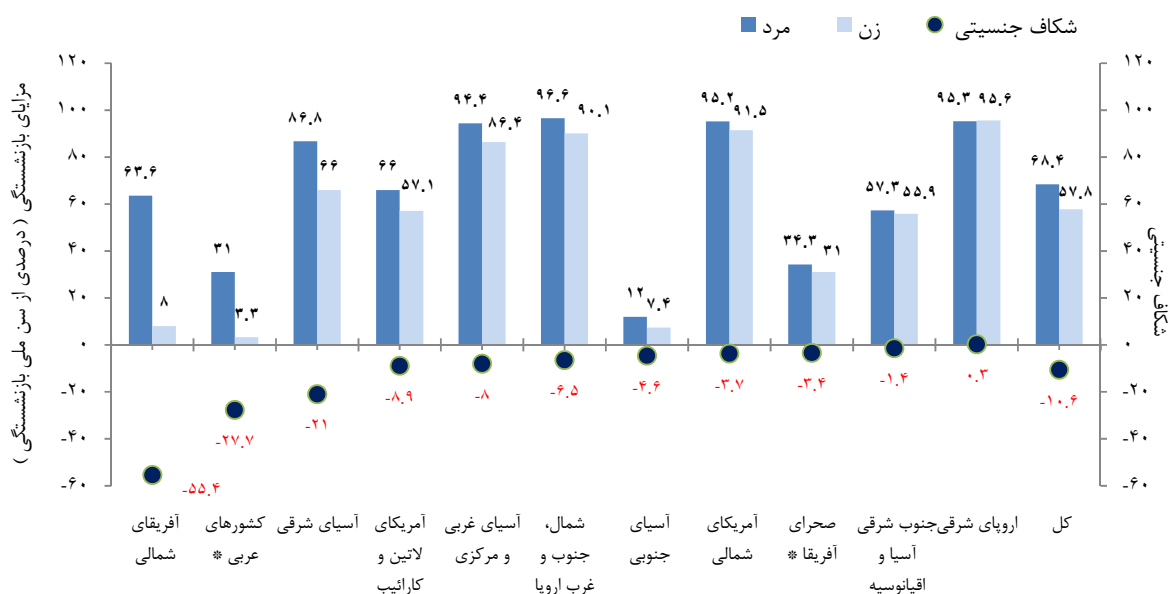
شکاف جنسیتی در اشتغال و برابری شغل به این معناست که در جاهایی که چنین طرح‌ها و برنامه‌هایی وجود دارد، زنان دسترسی محدود تری به حمایت‌های اجتماعی مرتبط با اشتغال دارند. نرخ مزد رسمی و اشتغال مزد و حقوق‌گیری پایین تر به همراه ساعات کار کمتر و سنوات کمتر بیمه‌ای برای زنان تأثیرات نامطلوبی در فوق‌العاده سنوات و پوشش برنامه‌های کمکی دارد. به ویژه مزایای نقدی زایمان و مراقبت‌های بهداشتی برای زنان بسیار ضروری است اگر نیازهای ویژه و خاص زنان در طول خدمتشان برآورده شود و برای زمان بازنشستگی و دوران سالمندی کافی می‌باشد.

بر اساس سری زمانی شکاف جنسیتی اشتغال، پوشش (هم منطقی و هم موثر) طرح‌های حمایت اجتماعی و کمک اجباری برای زنان کمتر از مردان است که باعث شکاف پوشش حمایت اجتماعی میشود. در جهان نسبت زنانی که بعد از سن بازنشستگی، حقوق بازنشستگی دریافت میکنند به طور متوسط ۱۰.۶ درصد کمتر از مردان است (نمودار ۷). تقریباً ۶۵ درصد از افراد بالای سن بازنشستگی بدون حقوق بازنشستگی منظم را زنان تشکیل می‌دهند. این بدین معناست که ۲۰۰ میلیون زن سالمند در مقایسه با ۱۱۵ میلیون مرد، بدون هیچ درآمد مستمر از حمایت‌های اجتماعی بسر می‌برند. (حق سالمندی یا مستمری). نرخ پایین مشارکت زنان به همراه توسعه اندک و غیر موثر حقوق بازنشستگی، تأثیرات ویژه‌ای بر پوشش بازنشستگی زنان در آفریقای شمالی، کشورهای عربی و جنوب آسیا داشته است بطوریکه میزان زنان سالمندی که حقوق بازنشستگی دریافت میکنند، پایین تر از ۱۰ درصد است.

در همه کشورها، فرمهایی را برای حمایت‌های بارداری زنان شاغل فراهم میکنند تقریباً نزدیک به ۶۰ درصد از زنان شاغل در دنیا نزدیک (۷۵۰ میلیون زن) از مزایای حق قانونی مرخصی زایمان بهره‌مند نیستند.

مشکلاتی اجرایی، عدم آگاهی از حق و حقوق، ظرفیت ناکافی مشارکت، اعمال تبعیض آمیز، محدودیت‌های اجتماعی و غیر رسمی در کل جهان به این معناست که تنها ۳۳۰ میلیون زن شاغل (۲۸.۲ درصد) از مزایا و کمک نقدی و غیر نقدی مربوط به تولد فرزند را دریافت میکنند. وجود طرح‌های حمایتی غیر نقدی می‌تواند نرخ مشارکت زنان در بازار کار و موقعیت شغلی با مطلوبیت کمتر را در جایی که پوشش حمایت‌های اجتماعی متمرکز هست، تا حدودی توسعه دهد. مزایای غیر نقدی به سمت توازن می‌رود و اغلب برای زنان و فرزندان آنها و همچنین زنان سالمند بالای خط فقر به ویژه در فقدان مراقبت‌های بهداشتی ضروری کافی نیست.

نمودار ۷: شکاف جنسیتی واقعی در حقوق و مستمری بازنشستگی – ۱۰۷ کشور (بر اساس آخرین سال در دسترس)



توجه: برآورد جهانی در ۱۰۷ کشور ۸۳ درصد از کل جمعیت بالای سن ملی بازنشستگی، وزن دهی بر اساس جمعیت بالای سن ملی بازنشستگی را نشان میدهد. داده ها بر اساس آخرین سال در دسترس است که بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ می باشد. پوشش این شاخص بر اساس نسبت جمعیت بالای سن قانونی بازنشستگی یا دریافت کننده مستمری سالمندی یا بازماندگان اندازه گیری شده است. علامت * برای کشورهای عربی و صحرای آفریقا به این معناست که این میانگین برآورد مناسبی نمی باشد چون از تعداد محدودی کشور تشکیل شده اند (کمتر از ۵۰ درصد از جمعیت بالای سن ملی بازنشستگی نشان داده شده است).

سیاستهای یکپارچه برای دسترسی زنان به مشاغل بهتر و با کیفیت و کاهش شکاف جنسیتی ضروری است

علیرغم پیشرفت زنان در زمینه تحصیلات عالی (در بسیاری از کشورها تعداد زنان فارغ التحصیل با تحصیلات عالی بیش از مردان است)، زنان همچنان با مشکلاتی در خصوص دسترسی نا عادلانه به بازار کار مواجه هستند. بر اساس نقش های سنتی، این انتظار وجود دارد که مردان نقش اصلی نان آور خانواده را بر عهده دارند که این امر بر دسترسی به فرصت های شغلی و انگیزه زنان تاثیر دارد. برنامه ها و سیاستهای اشتغال باید در تقابل با تفکیک بخشهای اقتصادی و گروه های شغلی باشد. آموزش، تحصیلات و برنامه ریزی های آموزشی باید بگونه ای طرح ریزی شوند که دختران و پسران و همچنین زنان و مردان جوان بتوانند در موضوعات غیر کلیشه ای درس بخوانند و فعالیت نمایند. این برنامه ریزی ها باید در راستای کاهش تفکیک حرفه و شغل باشد و موجب حضور زنان در علوم، تکنولوژی، مهندسی، ریاضیات و مهارتهای مرتبط با آن شود. همچنین شکاف جنسیتی مزد نیز باید حذف شود. حجم زیاد فعالیت های مراقبتی، بر عهده زنان می باشد و به موجب آن پوشش حمایت های اجتماعی افزایش می یابد و موجب گستردگی شکاف دستمزد میشود. سیاستها برای ترویج تقسیم بهتر مسئولیت های مراقبتی می تواند شکاف دستمزد جنسیتی را کاهش دهد. لذا تلاش ها در جهت حذف تبعیض های آشکار بین مردان و زنان در فرصت ها و رفتارها میتواند اولین قدم باشد. در مراحل بعدی پاداش مساوی برای کار با ارزش یکسان از طریق شفاف سازی دستمزد و ارزیابی آموزش و مشاغل به همراه بی طرفی جنسیتی میتواند صورت پذیرد.

ب- وضعیت اشتغال و بیکاری زنان در ایران در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴

مسئله اشتغال به ویژه اشتغال زنان طی دهه های اخیر به یکی از موضوعات مهم و تاثیرگذار در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های کشور تبدیل شده است. زنان همانند مردان به عنوان منابع ارزشمند در توسعه و پیشرفت جامعه نقش تعیین کننده ای دارند. آنان از لحاظ سطح دانش و توانایی ها، ظرفیت بالقوه ای دارند و می توانند در شرایط کنونی و تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور زمینه ساز تحول باشند. در ادامه به بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری زنان طی سالهای ۸۴ الی ۹۴ پرداخته می شود. با بررسی این روند میتوان اظهار نمود که در کنار برخی عوامل نظیر مسائل فرهنگی، دستمزد پایین تر زنان نسبت به مردان، مردانه بودن برخی مشاغل، مسئولیت های خانه و فرزندآوری و ... سایر موارد چون پرداخت یارانه ها که بنوعی موجب جبران بخشی از هزینه های زندگی به ویژه در مناطق روستایی شده است و همچنین کاهش تمایل کارفرمایان در خصوص به کارگیری زنان به دلیل تصویب برخی قوانین و مقررات حمایتی از زنان شاغل (مانند افزایش مدت زمان مرخصی زایمان) در کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری زنان طی این سالها بی تاثیر نبوده است.

از طرفی برخی کارشناسان صاحب نظر در ارتباط با میزان مشارکت زنان در اقتصاد کشور بر این باورند که در اظهار و سنجش میزان فعالیت و مشارکت زنان، احتمالاً با کم گویی مواجه هستیم و باورها بر این است که نرخ مشارکت زنان باید بیشتر از میزان آمار رسمی موجود باشد.

عمده ترین شاخصهای نیروی کار

نتایج طرح آمارگیری نیروی کار کشوری سالهای ۱۳۹۴ - ۱۳۸۴ حاکی از آن است که جمعیت فعال ده ساله و بیشتر کشور با ۶ درصد افزایش از حدود ۲۳ میلیون نفر در سال ۱۳۸۴ به بیش از ۲۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴ رسیده است. از طرفی تعداد شاغلین ده ساله و بیشتر نیز طی این دوره با افزایش ۶.۶ درصدی مواجه بوده است و از حدود ۲۰ میلیون شاغل در سال ۱۳۸۴، نزدیک به ۲۲ میلیون شاغل در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

با بررسی تعداد بیکاران ده ساله و بیشتر کشور در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴، نشان می دهد این تعداد با افزایش ۲ درصدی مواجه بوده است، یعنی کمی بیش از ۵۰ هزار نفر به جمعیت بیکاران اضافه شده است. این افزایش برای مردان ۲.۱ درصد و برای زنان ۱.۹ درصد بوده است.

وضعیت اشتغال و بیکاری زنان

آمارها بیانگر این موضوع است که در برابر افزایش ۱۱.۱ درصدی شاغلان مرد در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۴، تعداد شاغلان زن با کاهش ۱۲.۶ درصد مواجه بوده است. در سال ۱۳۸۴ نزدیک به ۴ میلیون نفر از شاغلان، زن بوده اند که این تعداد در سال ۱۳۹۴ به حدود ۳ میلیون و چهارصد هزار نفر رسیده است، یعنی تقریباً حدود ۵۰۰ هزار نفر از زنان شاغل طی این دوره زمانی کاسته شده است. به عبارت دیگر میتوان گفت طی این دوره به طور متوسط در هر سال، نزدیک به پنجاه هزار زن از بازار کار خارج شده اند.

با نگاهی به نسبت جنسی اشتغال طی سال های مذکور می توان گفت، این نسبت روند افزایشی داشته به طوری که از ۴۲۰ مرد شاغل در مقابل ۱۰۰ زن شاغل در سال ۱۳۸۴ به ۵۳۴ مرد شاغل در مقابل ۱۰۰ زن شاغل در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همچنین نسبت جنسی بیکاری طی این سالها تقریباً بدون تغییر بوده است و ۲۲۶ مرد بیکار در مقابل ۱۰۰ زن بیکار وجود داشته است. بدین ترتیب میتوان گفت که با پدیده مردانه شدن اشتغال و زنانه شدن بیکاری مواجه شده ایم.

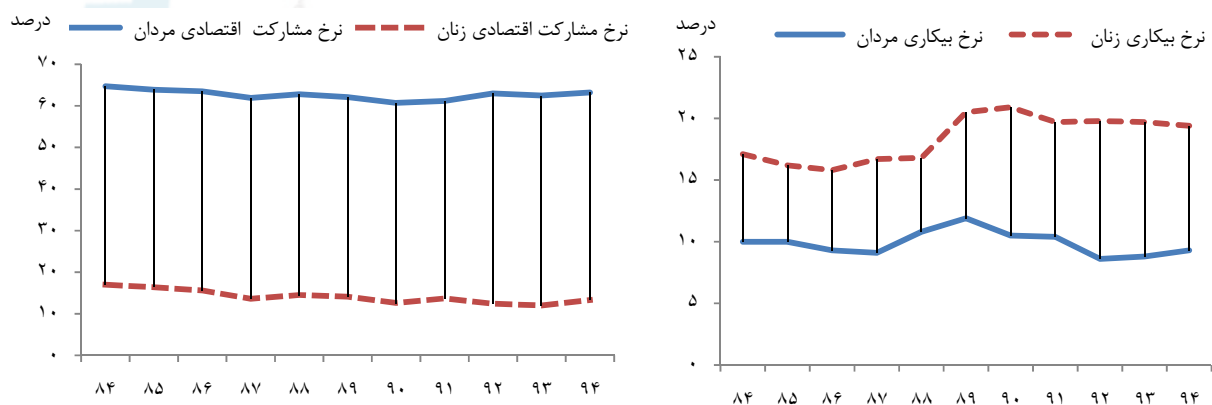
شکاف جنسیتی نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری

بر اساس آخرین آمارها نرخ مشارکت اقتصادی از ۴۱ درصد سال ۱۳۸۴ به ۳۸.۲ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است. این نرخ برای مردان و زنان در سال ۱۳۸۴ به ترتیب به میزان ۶۴.۷ و ۱۷ درصد بوده است که با کاهش ۱.۵ و ۳.۷ درصد این نرخ برای مردان و زنان، به ترتیب به عدد ۶۳.۲ درصد و ۱۳.۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. از طرفی با محاسبه شکاف جنسیتی نرخ مشارکت اقتصادی، این شکاف از ۴۷.۷ درصد در سال ۸۴ به ۴۹.۹ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است و به این معنا که طی این دوره ۲.۲ درصد افزایش داشته است.

همچنین نرخ بیکاری مردان و زنان به ترتیب از ۱۰ و ۱۷.۱ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۹.۳ درصد و ۱۹.۴ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است بطوریکه این نرخ برای مردان ۰.۷ درصد کاهش یافته است ولی برای زنان ۲.۳ درصد با افزایش مواجه بوده است. به عبارتی با محاسبه شکاف جنسیتی نرخ بیکاری میتوان گفت که این شکاف با افزایش ۳ درصدی از ۷.۱- درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۰.۱- درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

بطور کلی آمارهای فوق، به عنوان مولفه‌های تاثیر گذار، بیانگر شکاف جنسیتی در بازار کار ایران می باشند. روند شکاف جنسیتی تا سال ۱۳۹۳ تقریباً افزایشی بوده و از این سال تا کنون رو به کاهش می باشد.

نمودار ۸: نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری به تفکیک جنس طی سالهای ۹۴-۱۳۸۴



ماخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار - مرکز آمار ایران

بیکاری زنان جوان

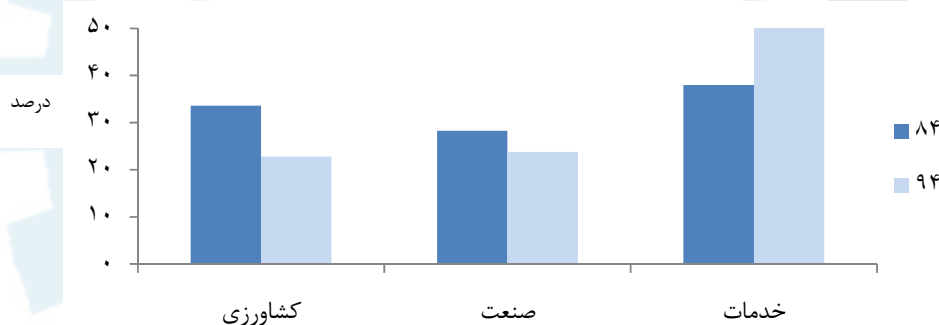
بیکاری جوانان از جمله مواردی است که همیشه مورد توجه برنامه ریزان و سیاستگذاران بوده است. بیکاری در ایران نیز همانند اکثر مناطق جهانی، زنان جوان را بیش از مردان جوان تحت تاثیر قرار داده است. در سال ۱۳۸۴ نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله مردان و زنان به ترتیب ۲۰.۴ و ۳۲.۶ درصد بوده است که به میزان ۲۲.۳ و ۴۲.۸ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. این آمار نشان از افزایش ۱۰.۲ درصد بیکاری زنان جوان در برابر افزایش ۱.۹ درصد این نرخ برای مردان می باشد. به بیان دیگر شکاف جنسیتی نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله نیز با افزایش ۸.۳ درصد مواجه بوده است و از ۱۲.۲ - درصد در سال ۱۳۸۴ به ۲۰.۵ - درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

کیفیت شغل زنان

تحولات اشتغال زنان در بخش‌های عمده اقتصادی

با بررسی آمارهای رسمی طی این دوره زمانی، خروج زنان از برخی بخش‌های اقتصادی و روی آوردن یا جایگزین شدن در بخش‌های دیگر از جمله مسائل قابل توجه می‌باشد. در سال ۱۳۸۴، ۳۸ درصد از زنان در بخش "خدمات"، ۳۳.۶ درصد آنان در بخش "کشاورزی" و ۲۸.۳ درصد آنان در بخش "صنعت" مشغول به کار بوده‌اند. طی این سال‌ها، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در حوزه‌های شغلی زنان به وقوع پیوسته است، به طوری که بخش‌های "کشاورزی" و "صنعت" به تدریج سهم کمتری از اشتغال زنان را به خود اختصاص دادند و در مقابل، سهم بیشتری از زنان در بخش "خدمات" مشغول به کار شده‌اند. در نتیجه این تغییرات، سهم زنان در سال ۱۳۹۴ در بخش خدمات (۵۳.۴ درصد)، صنعت (۲۳.۸ درصد) و کشاورزی (۲۲.۸ درصد) می‌باشد. به بیان دیگر، تعداد شاغلان زن در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۴، در دو بخش کشاورزی و صنعت به ترتیب ۱۰.۸ درصد و ۴.۵ درصد کاهش و در بخش خدمات با ۱۵.۴ درصد افزایش مواجه بوده است. این در حالی است که در دوره مذکور سهم مردان در بخش کشاورزی ۵.۵ درصد کاهش داشته است ولی حضور آنان در بخش صنعت و خدمات به ترتیب ۳.۴ و ۲.۲ درصد افزایش داشته است.

نمودار ۹: نرخ مشارکت اقتصادی زنان به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی - سال‌های ۸۴ و ۹۴



ماخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار - مرکز آمار ایران

تحولات اشتغال زنان در گروه‌های عمده شغلی

با مقایسه سهم شاغلان زن در گروه‌های عمده شغلی در طی دوره مذکور، نتایج نشان می‌دهد که سهم زنان شاغل در سال ۹۴ نسبت به سال ۸۴ به ترتیب در گروه‌های عمده شغلی "تکنسین‌ها و دستیاران"، "کارکنان خدماتی و فروشندگان"، "کارمندان امور اداری و دفتری"، "فانویگزاران، مقامات عالیرتبه و مدیران"، "متخصصان" و "متصدیان ماشین‌آلات و دستگاهها و مونتاژکاران" با افزایش مواجه بوده است در حالیکه در سایر گروه‌ها "صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط"، "کارگران ساده" و "کارکنان ماهر کشاورزی و جنگلداری و ماهیگیری" این سهم کاهش داشته است.

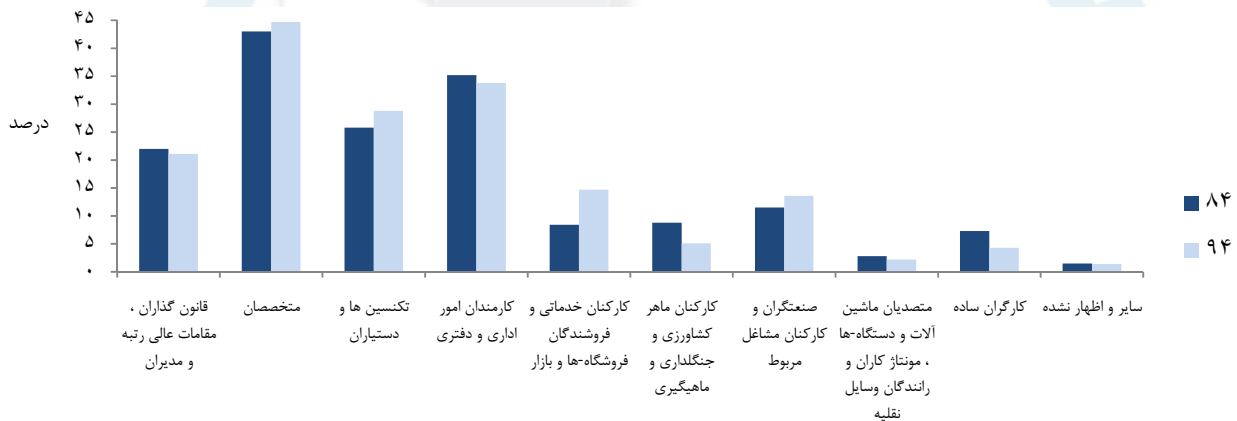
آمارها بیانگر این است که در سال ۸۴، ۲۵.۹ درصد از زنان شاغل در گروه شغلی "کارکنان ماهر کشاورزی و جنگلداری و ماهیگیری"، ۲۵ درصد در گروه شغلی "صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط" و ۱۸.۵ درصد در گروه شغلی "متخصصان" فعالیت داشته‌اند، در حالیکه در سال ۹۴ این ترتیب تغییر یافته است و ۲۶.۷ درصد زنان شاغل در گروه عمده شغلی "متخصصان"، ۱۹ درصد در گروه شغلی "صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط" و ۱۸ درصد در گروه شغلی "کارکنان ماهر کشاورزی و جنگلداری و ماهیگیری" فعالیت نموده‌اند. لذا میتوان گفت علیرغم کاهش تعداد شاغلان زن طی این سالها، مشاغل آنان کیفی تر شده است و یا زنان ترجیح میدهند که در مشاغل کیفی تر فعالیت داشته باشند و صورت نیافتن کار تخصصی تر از بازار کار خارج شوند.

تحولات اشتغال زنان دارای تحصیلات عالی

نتایج نشان می‌دهد تعداد شاغلان زن دارای تحصیلات عالی از حدود ۸۶۰ هزار نفر در سال ۸۴ به نزدیک یک میلیون و پانصد هزار نفر در سال ۹۴ رسیده است و با افزایش ۶۷.۵ درصدی مواجه بوده است. در سال ۸۴ بیشترین سهم زنان شاغل دارای تحصیلات عالی به ترتیب در گروه‌های عمده شغلی "متخصصان"، "کارمندان امور اداری و دفتری"، "تکنسین‌ها و دستیاران" و "قانونگذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران" با ۴۳ درصد، ۳۵.۲ درصد، ۲۵.۸ درصد و ۲۲ درصد بوده است که این سهم در سال ۹۴ با همان ترتیب فوق به ۴۴.۷ درصد، ۳۳.۸ درصد، ۲۸.۸ درصد و ۲۱.۱ درصد رسیده است.

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت علیرغم کاهش تعداد شاغلان زن طی این دوره، تعداد شاغلان زن دارای تحصیلات عالی با افزایش مواجه بوده است که می‌تواند نشانگر این باشد که شاغلان زن دارای تحصیلات عالی به نسبت سایر زنان بیشتر وارد بازار کار شده‌اند و یا این امر ناشی از تغییر و ارتقا سطح تحصیلات زنان در حین اشتغال آنان می‌باشد که به تبع آن ارتقا سطح شغلی را به دنبال داشته است.

نمودار ۱۰: سهم زنان شاغل دارای تحصیلات عالی به تفکیک گروه‌های عمده شغلی سال‌های ۸۴ و ۹۴



ماخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار - مرکز آمار ایران

ساعت کاری زنان

با مقایسه سهم شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر با ساعت کار معمول بیش از ۴۹ ساعت و بیشتر در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که این سهم روند نزولی داشته و از ۴۶.۹ درصد به ۳۸ درصد رسیده است. سهم زنان در این شاخص در مقایسه با مردان با کاهش بیشتری معادل با ۴.۵ درصد همراه بوده است.

خروج سریع زنان از بازار کار

بررسی الگوی طول مدت اشتغال زنان طی این دوره بیانگر این است که هرچه طول مدت اشتغال افزایش می‌یابد نقش زنان در بازار کار کم‌رنگ تر می‌شود. علیرغم اشتیاق زنان جهت ورود به بازار کار، به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... که پیشتر اشاره شد، زودتر از مردان از بازار کار کشور خارج می‌شوند. از حدود چهار میلیون زن شاغل در سال ۸۴ بیش از دو میلیون و دویست هزار نفر آنان (۵۶ درصد) در دهه اول اشتغال (کمتر از ۱۰ سال) بوده‌اند، بطوریکه در سال ۹۴ از حدود سه میلیون و پانصد هزار زن شاغل، کمی بیش از دو میلیون نفر آنان (۵۸.۹ درصد) در این دهه اشتغال می‌باشند. با محاسبه میانگین طول مدت اشتغال برای زنان نشان می‌دهد که این میزان در سال ۸۴، حدود ۱۲ سال بوده است و در سال ۹۴ به حدود ۱۱.۳ سال رسیده است، بدین معنا که میانگین طول مدت اشتغال و ماندگاری زنان در بازار کار رو به کاهش است.